



یادداشت

مهدی حسن‌زاده

### دهن کجی به وحدت از تریبون‌های تفرقه‌افکن

۱۰۰روز از جنگ تحمیلی سوم به ملت بزرگ ایران گذشت و الحق این ملت، بزرگی و عظمت خود را به جهان نشان داد. دشمن نیز پس از ناکامی مجبور به طرح آتش‌بس شد و اکنون پس از یک دور مذاکرات حضوری در اسلام‌آباد، شاهد رد و بدل شدن مستمر پیام‌ها برای تعیین مفاد تفاهم بر سر جزئیات آتش‌بس هستیم.

با این حال واضح است که جنگ «تمام» نشده است. توقف موقت آتش و ابراز اشتیاق ترامپ به توافق با ایران حتماً ناشی از محدودیت‌های آمریکا هم در عرصه نبرد و هم در قبال اثرات جنگ بر فضای اقتصادی و سیاسی جهان است. اگر باور ما این باشد که جنگ تمام نشده همچنان که رد و بدل آتش در میدان کم و بیش ادامه دارد و حتی با فرض تفاهم بر سر آتش‌بس نیز تمام نمی‌شود و مذاکره را شکلی از جنگ در قالب دیپلماتیک بدانیم، در دوگانه مخرب جنگ/دیپلماسی گیر نمی‌کنیم، چنان‌که متأسفانه برخی افراط، برخی برنامه‌های تلویزیونی و مجازی و برخی تریبون‌ها در این دوگانه افتاده‌اند و از مذاکرات

پیش‌رو برداشت‌واداگی و بی‌اعتنایی به میدان می‌کنند.

«مذاکره‌کنندگان بی‌باور به سنت‌های الهی» و «مسئولانی که با لبنان همراه نیستند» دو مصداق از اظهارنظرهای شاذ افرادی است که همواره تریبون دارند؛ روزی در صداوسیما اکنون در فضای مجازی و تجمعات خیابانی. این در حالی است که در رأس مذاکرات فردی قرار دارد که برخلاف این افراد تقرن و همواره میکورف به دست، در جنگ ۱۲ روزه و همین جنگ، دقیقاً وسط میدان و همراه فرماندهان نظامی بود. صحبت از قالبیافی است که به صراحت گفته مذاکره از نظر وی، نوعی مبارزه است. صحبت از فردی است که در همین جنگ اخیر دوش به دوش شهیدلاریجانی، با پاس‌های کوبنده خود، پاسخ لاف‌زنی‌های ترامپ و مقامات رژیم صهیونیستی را می‌داد. تقرن‌ها، فردی را غیرهمراه با لبنان تصویر می‌کنند که مهر سال گذشته وسط بیماران بیروت و در سخت‌ترین شرایط لبنان، شجاعانه‌ن سکان هواپیما را به دست گرفت و به بیروت رفت تا با شجاعت، حمایت تمام‌قد جمهوری اسلامی ایران از مقاومت و حزب‌الله را نشان دهد. مدعیان، فردی را متهم به عدم باور به سنت‌های الهی می‌کنند که وسط این جنگ حضور میدانی داشت و سنت‌های الهی را با مغانِ جان خود کرد.

بسیاری از دلسوزان هشدار داده و می‌دهند که دوگانه‌سازی و ساده‌سازی، آفت فعالیت‌های سیاسی و رسانه‌ای است. با این حال مردم نشان داده‌اند از این ساده‌سازی‌ها عبور کرده‌اند اما برخی به همان تریبون‌های ثابت و مخاطب حداقلی دل خوش کرده‌اند. آمار اخیر تلویویون نیز نشان داد برنامه تلویزیونی «به وقت ایران» که رویکردی غیرشعاری و غیرتخریبی به فضای جنگ و مسئولان کشور دارد، با ثبت بیش از ۹/۰۱میلیون بازدید توانسته جایگاه نخست را در میان برنامه‌های گفت‌وگومحور سیاسی تثبیت کند و با فاصله‌ای بیش از دو تا سه برابر سایر برنامه‌های سیاسی تلویزیون بیننده داشته باشد. این آمار درس بزرگی است که چرا نباید تریبون‌های تضمین شده و مجانی صداوسیما را به دست شعارزدگانی داد که با ساده‌سازی، تیم مذاکره‌کننده و دولت را خائن یا بی‌عرضه تصویر می‌کنند.

از این ماجرا درس بزرگ‌تری نیز باید گرفت؛ اگر به آنچه رهبر شهید انقلاب به ویژه در دوره میان دو جنگ اخیر فرمودند و اکنون در بیان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای نیز جاری است، نگاه کنیم، دغدغه مهم انسجام ملی و پرهیز از طرح اختلافات حتی موجه را می‌بینیم. این ملاک و معیار، سنگ ترازوی انقلابی بودن است. اگر فردی مدعی بود که انقلابی است اما در این روزهای حساس؛ اختلاف‌افکنی و طرح ادعاهای تند و موضع‌گیری‌های تخریبی علیه مسئولان رده‌بالای نظام را ترویج داد، بدون تردید و با معیار رهبر معظم انقلاب، از مسیر انقلاب منحرف شده است و باید با صراحت مورد تذکر قرار گیرد و حتی لازم است سایر طیف‌های انقلابی و معتقد به ولایت فقیه، مرز خود را با تخریب‌کنندگانی که به توصیه‌های مؤکد ولی فقیه برای پرهیز از تخریب، دهن کجی می‌کنند، به طور صریح روشن کنند.

### خبر

انتقاد دوباره پزشکيان از رسانه ملی

### صداوسیما با تحلیل‌های غیرمستند سیاه‌نمایی نکند

رئیس‌جمهور با انتقاد از برخی تحلیل‌ها و روایت‌های رسانه‌ای درباره وضعیت اقتصادی کشور، تأکید کرد: در شرایط جنگ اقتصادی، تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری نمی‌توان تمامی تحولات قیمتی را صرفاً به عملکرد دولت نسبت داد و رسانه ملی نیز نباید با تحلیل‌های یک‌جانبه و غیرمستند به تشویش افکار عمومی و سیاه‌نمایی عملکرد دولت دامن بزند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، پزشکیان در این نشست، اما در کنار آن، اولویت را رهبردی دولت در حمایت از معیشت خانوارها اظهار کرد: معیشت مردم برای من یک اصل اساسی بوده و قابل چشم‌پوشی نیست. دولت موظف است با تمام ظرفیت‌ها برای تقویت قدرت خرید مردم و کاهش فشارهای اقتصادی بر اقشار مختلف جامعه اقدام کند. رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به راهبردهای تأمین مالی دولت تصریح کرد: جذب سرمایه‌گذاری یکی از مسیره‌های مهم تأمین منابع است، اما در کنار آن، مدیریت هزینه‌ها و حذف مصرف غیرضرور نیز باید به‌صورت جدی در دستور کار قرار گیرد. ضروری است هزینه‌های زائد در دستگاه‌های اجرایی، نهاد‌های دولتی و سایر بخش‌ها شناسایی شود و کاهش یابد.

**هدایت جاوید** حضور دوباره مقام ارشد پاکستانی در پایتخت ایران در دوراهی و نوسان مداوم کاهش و افزایش تنش با آمریکا، مورد توجه ناظران سیاسی قرار گرفته است؛ آن هم در روزی که سگ هار منطقه، در تجاوزوی آشکار، به مناطقی در ضاحیه بیروت حمله کرد؛ دیروز، روز دو پیام بود؛ یکی مکتوب از سوی پاکستان؛ و یکی جنایتکارانه از سوی رژیم جعلی صهیونیستی.

وزیر کشور و دیگر مسئولان همسایه شرقی به عنوان میانجی، در ماه‌های اخیر سفرهای پینگ‌پونگی فراوانی به تهران داشته‌اند اما اینکه گفته شده «سیدمحسن نقوی» در مأموریت اخیرش حامل پیام مهمی برای رهبر معظم انقلاب بوده، بیشتر رخداد مذکور را زیر ذره‌بین قرار داده است.

این نامه در جریان دیدار دیروز نقوی با عراقچی تحویل وزیر خارجه کشورمان شد؛ نامه‌ای که برخی آن را از طرف پاکستان می‌دانند و عده‌ای هم اسلام‌آباد را گزینه واسطه انتقال پیام ترامپ عنوان کرده‌اند. وزیر کشور پاکستان اما در دیدار با اسکندر مؤمنی همتای ایرانی خود درباره محتوای نامه چنین گفت: «اینجا هستم تا نامه ویژه‌ای را از سوی فیلد مارشال ژنرال عاصم منیر فرمانده ستاد ارتش پاکستان و نخست‌وزیر شهماز شریف، درباره شرایط فعلی به آیت‌الله خامنه‌ای تحویل دهم. فکر می‌کنم پیام مهمی باشد.»

■ **اسلام‌آباد در پی گره‌گشایی**

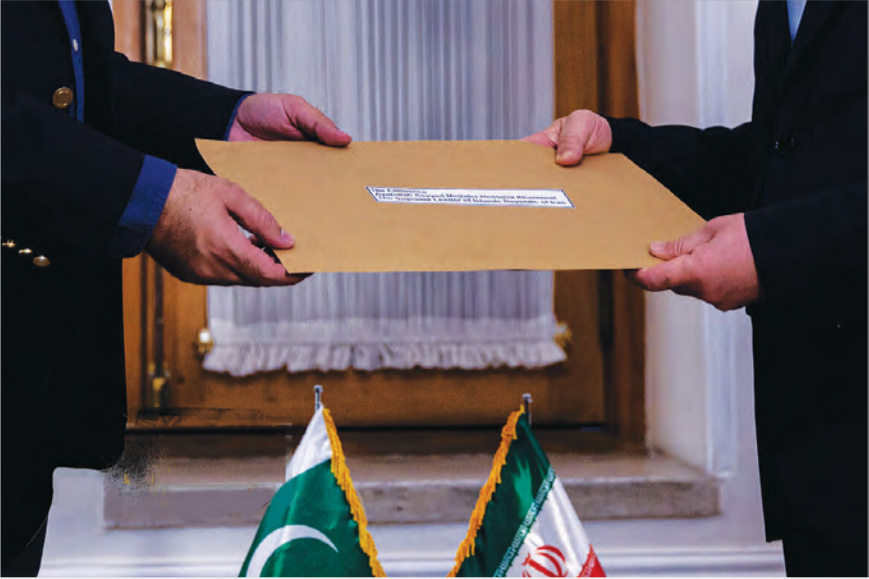
همزمان با این تحول، گمانه‌زنی درباره محتوای متن ارسالی افزایش یافته است. العربیه می‌نویسد: نقوی حامل پیامی به ایران در مورد موافقت آمریکا با کاهش تحریم‌هاست. عبدالله خلوف، خبرنگار این رسانه در جایی دیگر تأکید می‌کند پیام عاصم منیر تلاشی برای رسیدن به مرکز تصمیم‌گیری در تهران است و اسلام‌آباد همچنین تلاش می‌کند «پرونده لبنان» را از توافق احتمالی با واشنگتن جدا کند و آمادگی خود را برای کمک به ارتش لبنان در اعمال کنترل بر جنوب این کشور، پس از خروج عناصر حزب‌الله، اعلام کرده است.

این دست‌رسانه‌ها مأموریت اسلام‌آباد را تسهیل‌امور در راستای امضای «یادداشت تفاهم میان ایران و آمریکا» تعبیر کرده‌اند. یکی از این رسانه‌ها با تیتتر «فرمول خلاقانه پاکستان چیست؟»، مقامات پاکستان را پشت متن ارسالی دانسته و می‌نویسد: «توافق بالقوه ایران و آمریکا اکنون به رفح توقف درایی‌های ایران گره خورده است. این موضوع تعجب‌آور نیست. در دور نخست مذاکرات در اسلام‌آباد، برداشت عوامل دخیل در روند گفت‌وگوها این بود که در نهایت، طرف ایرانی به دنبال کسب منافع مالی دقیقی است که از نظر آزادسازی دارایی‌ها، رفح تحریم‌های اقتصادی و هر اقدام دیگری در صورت امضای

ساعاتی پس از تحویل نامه مقامات پاکستان به ایران

رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت حمله کرد

# دو پیام در یک روز



### حضور دوباره مقام ارشد پاکستانی در پایتخت ایران مورد توجه ناظران سیاسی قرار گرفته است؛ آن هم در روزی که سگ هار منطقه، به ضاحیه بیروت حمله کرد؛ دیروز، روز دو پیام بود

جمع‌بندی رسیده‌اند مرقومه‌ای که مقام پاکستانی حامل آن بوده، «آخرین پیشنه‌ها و در واقع هشدار نهایی ایالات متحده» است که تحویل تهران می‌شود. این دست کارشناسان معتقدند مقامات پاکستانی به‌عنوان میانجی، تاکنون رفت و آمدهای زیادی به تهران داشته و به مقامات جمهوری اسلامی دسترسی داشته‌اندو انتقال پیام مکتوب از سوی اسلام‌آباد آن هم برای رهبر معظم انقلاب چندان منطقی نیست، ازاین‌رو نقوی را باید واسطه انتقال پیام آمریکا به بالاترین مقام سیاسی ایران تلقی کرد.

پذیرش چنین دیدگاهی یک دنباله دارد، اینکه با کشتار شدن مذاکرات هسته‌ای که به زد و خورد نظامی با جمهوری اسلامی هم منجر شده اما با پایمردی ایران، نتیجه دلخواه رئیس‌جمهور ایالات متحده را در پی نداشته، ترامپ از نمایندگان خود در حوزه سیاسی

ناامید شده و با چنین ابتکاری امیدوار است روزنه جدید

توافق بدست خواهد آورد. تقریباً دو ماه بعد، این مسئله همچنان نقطه بن‌بست باقی مانده است. ترامپ حاضر نیست بدون دریافت امتیازی که ارزش بیشتری نسبت به امتیاز مالی و اقتصادی او به جمهوری اسلامی دارد، هیچ وجهی را در اختیار تهران قرار دهد. اینجا همان نقطه بن‌بست است و سفر نقوی که حامل پیام ویژه‌ای است با هدف شکستن این بن‌بست انجام می‌شود. گزینه و راه میانه اسلام‌آباد شاید این باشد که بخشی از دارایی‌های بسته شده ایران در کشور سومی قرار داده شود که هم مورد اعتماد آمریکا باشد و هم مورد اعتماد ایران. سپس آزادسازی وجوه به پیشرفت در مسائل مورد مناقشه مشروط خواهد بود.»

■ **پیام هشدار یا روزنه‌گشایی ترامپ!**

در سوی مقابل، طیف دیگری از رسانه‌ها این گونه به

این کلیدواژه مهم، درمنظومه فکری امام شهید، چه ابعادی دارد؟

## رمزگشایی از «خطای محاسباتی»

که بخشی از آن منشأ خارجی و توطئه‌های دشمن را دارد وبخشی دیگر زاینده نقیاض داخلی است که پشتیبانی مسئولان‌رامی‌طلبد. اما «خطای محاسباتی مسئولان» کلیدواژه مهمی بود که نیاز به‌واکاوی بیشتری دارد و شاید بهتر باشد این مفهوم را در منظومه فکری رهبر شهیدانقلاب دنبال کنیم: «برنامه نفوذ در کشور، یک برنامه جدی استکیار و آمریکایی‌هاست... مسئولان، آماج این نفوذند... هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنندوتغییر بدهند.»(۲۰ اسفند۹۴)

اختلال دستگامحاسباتی درلغزشگاههایی اتفاق می‌افتد که«واقعیت‌پنداری» از مهم‌ترین آن‌هاست: «اگر ما توان خودمان را بیشتر از واقع یا کمتر از آنچه که واقعیت است بدانیم، دچار خطا خواهیم شد. توان دشمن را هم اگر بیشتر از آنچه که هست یا کمتر از آنچه هست ببینیم، دچار اشتباه محاسبه خواهیم شد... گاهی دل‌بستگی‌های ما فاجع‌کننده است و موجب می‌شودیک چیزهایی راواقعیت بیندازیم که واقعیت ندارد...یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمان‌ها بدون هزینه امکان‌پذیر است...واقعیت‌ها را باید با هم دیدو دانست.»(۳ مرداد۹۱)

این اختلال در دستگاه محاسباتی نشانه‌هایی هم دارد: «دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط بدست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد.»(یک مرداد۹۳) و یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چارچوب عوامل محسوس و صرفاً

در مناسبات با تهران بگشاید. ناشی‌گری و کارنابلدی دیپلمات‌های ایالات متحده یعنی جرالد کوشنر و استیو وینکاف، دو تاجری که از مباحث ریز و فنی هسته‌ای سر در نیاورده و این گونه میز مذاکره را تخریب می‌کنند، از همان ابتدا مورد اشاره مقامات تهران بود. حال اگر ترامپ پشت چنین مکاتبه‌ای باشد، خواسته یا ناخواسته به گفته‌های دیپلمات‌های جمهوری اسلامی مُهر تأیید زده و البته این گونه تلاش دارد خود وارد گرد ارتباط‌گیری مستقیم با تصمیم‌سازان تهران و سپس خروج از منجلاب جنگ شود.

ناید از یاد برد که ترامپ چنین رویکرد دیپلماتیکی (ارتباطگیری شخصی با رهبران) را در دوره نخست ریاست جمهوری خود هم تجربه کرد. وی با در پیش گرفتن استراتژی «مرد دیوانه» در ماه‌های ابتدای سکانداری کاخ سفید و ملقب کردن کیم جونگ اون به عنوان «مرد موشکی»، حملات لفظی تندی را علیه پیونگ یانگ کلید زد، ولی در نهایت با دست دادن و لبخند زدن با کیم مقابل دوربین‌ها مدعی شد توانسته شخصاً مشکلات میان آمریکا و کره شمالی را حل کند؛ هر چند که رخداد‌های بعدی این ادعا را زیر سؤال برد.

نوع عملکرد رئیس‌جمهور ایالات متحده چنین رویکردی را در قبال ایران هم تأیید می‌کند. ترامپ که در توییت‌های خود معمولاً از عنوان رژیم جمهوری اسلامی استفاده می‌کرد، در چرخشی نرم و زیر پوستی دو هفته پیش برای نخستین بار عبارت کامل جمهوری اسلامی ایران را برای مخاطب قرار دادن کشورمان به‌کار برد. او شامگاه پنجشنبه نیز در کنفرانس خبری کاخ سفید، دیدار رهبر ایران را مایه افتخار خود خواند. اما اگر نامه فعلی را از طرف ترامپ بدانیم باید به وی یادآوری کرد که اقدامش تکرار اشتباه‌های گذشته به جای تصحیح سیاست غلط در قبال ایران است. رئیس‌جمهور ایالات متحده در دوره نخست ریاست جمهوری شانس چنین ارتباط‌گیری با تصمیم‌سازان تهران را آزمود؛ تجربه‌ای که در آن مرود شد. ماجرا این گونه بود که ۲۳ خرداد ۱۳۹۸ و پس از اعلام خروج آمریکا از توافق‌نامه برجام، شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن مأمور دونالد ترامپ در انتقال پیام به تهران شد. اما چنین اتفاقی با واکنش قاطع رهبر شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای روبه‌رو شد؛ جایی که آبه مجبور شد نامه مذکور را به جای روی میز زیر پای خود قرار دهد و ثبت این تصویر، بی‌آبرویی بزرگی برای کاخ سفید به بار آورد. حال تم تفاوتی نمی‌کند که نامه مذکور از طرف مقامات آمریکا و حاوی تهدیدها و یا ترسیم مسیر جدید برای بهبود روابط طرفین باشد؛ چرا که کاهش تنش وابسته به چنین کاغذبازی‌هایی نیست بلکه راه‌حل این است که آمریکا به خواسته‌های منطقی ایران تن داده و از زورگویی و قلدری دست بردارد.

مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی و سنت‌های الهی را ندیده بگیرد.»(۱۶ تیر۹۴)

اما هدف دشمن از این کار چیست؟ «وقتی نتیجه این بشود که فکر و اراده مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد!... وقتی محاسبه این حقیر عوض شد، تصمیمی را می‌گیرم که او می‌خواهد؛ همان کاری را که او می‌خواهد، مفت و مجانی انجام می‌دهم؛ بدون اینکه خودم بدانم.»(۲۰ اسفند۹۴)

با اینکه مخاطب پیام رهبر معظم انقلاب «ملت عزیز» هستند، اما تأکید ایشان بر «نقش مسئولان» معنادار است؛ چه از باب عقب‌ماندگی مسئولان نسبت به‌تراز مردم معبوث که در پیام ایشان به‌مجلس نمود داشت، چه از باب ضعف‌های احتمالی در ساختار سیاسی کشور چه از باب رابطه مستقیم وظیفه با مسئولیت، به‌ویژه در برابر مردمی که فراتر از انتظار ظاهر شده و قریب ۱۰۰روز میدان خیابان را حتی در دوره سکوت میدان جنگ، خالی نکردند و همچنان در حال مجاهدند. ابزار دشمن «تردید، یأس، ترس، بدگمانی و اختلاف» است که مقابله با آن در گرو «ایستادگی، روشن‌بینی و حفظ وحدت و انسجام و اعتماد متقابل و همصدایی نکردن با دشمن» خواهد بود و مهم‌ترین نقش از آن «مسئولان»؛ «هر اقدامی که موجب بدبینی و سرخوردگی آحاد مردم شود، نوعی کمک به دشمن کشور و مردمانش محسوب می‌گردد.»

سقوط ترامپ، این بار در کمپ جمهوری‌خواهان

## رئیس‌جمهور آمریکا در حال از دست دادن کنترل جنگ

پهپاد ایرانی در هرمز، با پاسخ قاطع سپاه پاسداران و شلیک موشک‌های بالستیک به سمت پایگاه‌های میزبان نیروهای آمریکایی در بحرین و کویت مواجه شد. این اقدام تلافی‌جویانه، تثبیت دکترین راهبردی ایران است مبنی بر اینکه «اگر آمریکا بخواهد تنگه هرمز را برای ایران ناامن کند، هیچ پایگاه غربی در خاورمیانه در امان نخواهد بود.» کشور‌های میزبان ارتش آمریکا، اکنون در خط مقدم پرداخت هزینه‌های جنگی قرار گرفته‌اند که از آسمان و خاک آن‌ها شروع شده است.

■ **ایستگاه صد و یکم؛ صورت‌حساب سنگین یک توهم**

نظرسنجی تکان‌دهنده دانشگاه مریلند (که نشان می‌دهد تنها ۱۶درصد مردم آمریکا جنگ با ایران را موفق می‌دانند و ۳۳درصد از خود جمهوری خواهان هم آن را مضر ارزیابی می‌کنند)، بهترین جمع‌بندی برای روز صدم است. ترامپ که با وعده «پیروزی سریع و بی‌هزینه» وارد این کارزار شد، اکنون با نفت گران شده، تورم داخلی افسارگسیخته و متحدانی شوریده (از اروپا تا خلیج فارس) دست و پنجه نرم می‌کند. در مقابل، ایران با مدیریت تنگه هرمز و حفظ یکپارچگی جبهه مقاومت (از لبنان تا خلیج عمان)، نشان داد راهبرد «صبر مسلحانه»، کارآمدتر از دکترین «فشار حداکثری» است.

### روزشمار جنگ | روز صد و یکم

**گروه سیاسی |** صد و یکمین روز نبرد برای بسیاری از محافل خبری-تحلیلی دنیا، روز قضاوت درباره یک کارزار ناکام بود. وقتی دونالد ترامپ در اسفند ماه فرمان بمباران ایران را صادر کرد، رویای او و مشاورانش یک «تغییر رژیم برق‌آسا» به‌سبک مداخله آمریکا در ونزوئلا بود. اما امروز، ۱۰۰روز پس از آغاز آن عملیات، نظرسنجی دانشگاه مریلند نشان می‌دهد حتی پایگاه رأی جمهوری خواهان نیز به این راهبرد پشت کرده‌اند. واشنگتن اکنون نتنها در رسیدن به اهداف هسته‌ای و نظامی خود ناکام مانده، بلکه با شلیک‌های اسرائیل به قلب بیروت، شاهد از بین رفتن همان میز مذاکره‌ای است که برای مهار تورم داخلی‌اش به آن نیاز حیاتی دارد.

■ **معمای ضاحیه**

مهم‌ترین تحول میدانی ۲۴ساعت گذشته، حمله مستقیم اسرائیل به ضاحیه بیروت بود. این حمله (که دست‌کم دوشهید و ۱۱ مجروح بر جای گذاشته است)، فقط نقض یک آتش‌بس محلی نبود؛ بلکه یک دهن‌کجی آشکار به استراتژی کاخ سفید بود. هم‌طور که تحلیل‌گران می‌گویند، این حمله نتکند، زیرا ترامپ آشکارا به اسرائیل هشدار داده بود که به پایتخت لبنان حمله نکند. زیرا می‌دانست چنین اقدامی، مذاکرات شکننده آمریکا با ایران را نابود خواهد کرد، اما نتانیاهو که بقای سیاسی‌اش به تداوم «وضعیت جنگی» گره خورده،